

فقره دوم - ای سپتیمان زردشت در میان مردم اول تن درستی
دهنده و جلوگیری کسده این بیماریها تریته بود

فقره سوم - تریته برای مقابله با مرگ بیهنگام برای مقابله با
سوحتن برای مقابله با آب برای مقابله با ازهوه (بام بیماری بوده) برای
بیماری بلیدی (حدام) با مار گریدن و گندیدگی که اهریمن در تن مردم
آورد بدست آورد (۱)

در کتاب اوستا میویسد عناصر چهارگانه بدن را که عبارت از آب -
آتش - خاک و باد گفته اند زردشت اول آنها را شناخت که از کان اولیه
بدن را تشکیل میدهد و آب را از همه بالاتر دانست و دستور اکید در
استعمال آب پاک داد و گفت آب را پاکیزه نگاه دارند زردشت حدام
را بیماری پلید گفت و دستور داد بیمارانی حدامی را از مردم سالم دور
و جدا نگاه دارند و به پرشکان گفت چون بر بالین بیمارانی میروند با آنها
بوید بپودی بدهد و روحیه آنان را تقویت کند باب هشتم فقره ۳۶ در
حوار و امتحان پرشک

ای مقدس دادار جسمانی ایسان که مردا پرستند و برای آموختن
پرشکی میروند آیا بحسب در مردا پرستان آزمایش کند یا در
دو پرستان که دشمن آهورا مردا هشد مقصود دیو بود
فقره ۳۷ - پس آهورا مردا گفت اول پیش از مردا پرستان در
دو پرستان آزمایش کنیدیک دو پرست را در زمان و حراحی کند اگر مرد دوم
دو پرست را باو بدهد اگر او هم مرد سوم دو پرست را باو بدهد در زمان

۱ - نقل از کتاب و نبداد ترجمه فاضل فقید داعی الاسلام مؤلف

فرهنگ دکن صفحه ۱۷۶

و جراحی کند اگر سومی هم مرد آن کس که میبخواهد پزشک شود قابل
کار پزشکی نیست و شاید مردم مردا پرست دارو بدهد و به مردا پرست
را جراحی کند

این بود شمه‌ای از قدمت علم و فن پزشکی و امتحان پزشکان که
در آن عصر معمول بوده با اینکه در آن عصر افق افکار مردم و فضای علم و
فرهنگ باریک بوده است مردم ایران در آن عهد و زمان در باب معالجه
امراض و جلوگیری از دحالت مردم با دان درمداوی امراض جلوگیری
می‌کردند

کنت گوبینو (۱) مورخ فرانسوی در کتاب خود تاریخ پارسیان
بیر این موضوع و طرز امتحان را در ایران قدیم نقل کرده

دکتر موبیه (۲) مورخ نامی فرانسوی می‌نویسد شاپور اول شهری سام
حدی شاپور در ردیگی شهر در فول سا کرد که مرکز علوم و فنون گردید
ابوشیروان پادشاه بزرگ ساسانی که شاهی علم دوست بود برای
امتحان پزشکان و تعیین درجات علمی آنان فرمان داد از هر طرف پزشکان
حاضر شوند طبق آن فرمان پزشکان جمع شدند پزشکان دانشمندی هم
که از اسکندریه آمده بودند در آن مجلس شرکت کردند پس از بحث
و تحقیق از میان همه آنها حیرئیل پزشک مخصوص ابوشیروان از همه برتر
و بالاتر شایسته شد بعد از حیرئیل پسرش بحتیشوع سرآمد پزشکان ایران
گردید سر بحتیشوع بزرگ حیرئیل نام گرفت و پزشکی گرانمایه بود این نام
از طریق توارث و تسلسل تا زمان متوکل عباسی دوام داشت و همه دارای
مقام عالی پزشکی بوده در دربار خلفای عباسی مقرب و محترم بودند

در هر عصر و زمان ایران پرستان پر حاشته و دانشمند داشته که در این

اوراق میتوان عده‌ای را که شهرت جهانی دارند نام برد

علی بن ربن الطبری - از بواع و پرشک نامی ایران بوده بعضی او را معلم
و استاد محمد بن زکریای رازی دانسته‌اند این پرشک عالیقدر خدمات
مهم و گرانسپاهی به عالم بشریت انجام داده و آثار نفیس و پر ارزشی از خود
باقی گذاشته این استاد از حمید در طبرستان سال ۲۳۵ متولد گردید و از
بواع عالم پرشکی بشمار است

آثار گرانسپای او کتاب فردوس الحکمه - تحفه الملوک - کسب -
الحصره - مافع الاطعمه - تربیت الاعدیه - کتاب الحمامه - کتاب حفظ الصحه
که هر یک دارای مطالب عامی و تحقیقات دقیق در شاسائی انواع
بیماریها است

محمد بن زکریای رازی - نابع بررگی که قریبها مردم شرق و غرب
از سوغ علمی و فلسفی او استفاده‌ها کرده‌اند قاموس الاعلام تولد این فیلسوف
و پرشک عالیقدر را در سال ۲۴۰ هجری نوشته دائرة المعارف بریتانیا
۲۵۰ صط کرده است

آثار گرانسپای او را تا ۲۴۰ جلد کتاب و رساله نوشته‌اند از جمله
کتاب حاوی او که طب مبصوری هم گفته شد - کتاب طب البوس -
کتاب برهان - اثبات حالق در فلسفه و علوم ماوراء الطبیعه - علل المعامل -
عرق النساء - کتاب کیمیا (شیمی) در ترکیب ادویه - کتاب شکوک -
مواقصات حالسوس - برء الساعه - کتاب حدری و الحصه - و غیره

دکتر موبیه (۱) مورخ نامی فرانسوی می‌نویسد رازی و ابن سینا در

علم و فن شیمی مردم اروپا آنها را از بازار شیمی دان سویسی قرن
شازدهم میلادی برتر و بالاتر دانسته اند

رازی الکل و اسید سولفوریک را کشف کرد اول کسی که سل استخوان
را شناخت رازی بود و تحقیقات عمیق در اثرات کشنده آن کرد بیماری
آبله و سرخچه را رازی شناخت و شرح داد که اطمای یونان این دو بیماری
را شناخته بودند

رازی در فن جراحی استاد زمان بود اول کسی که محرای دمه
را دانست و ابزار برای باز کردن آن محررا اختراع کرد رازی بود و
تراجم را با ابزار مخصوصی که خود ساخته بود دانه های تراجم را
میتراشید و چشمها را معالجه میکرد

کاسیکلیونی (۱) استاد تاریخ پزشکی در دانشگاه پادو ایتالیا
۱۴۷۸-۱۵۲۹ میسود هنگام اوج علم طب و قبی بود که شهر برین نویسنده
و کسی که چندین قرن نگارشات او را همه پزشکان جهان آموخته
فرمانه رمای مطلق و قوی دهنده بالا معارض شناخته شده محمد بن زکریای
رازی بود که در اروپا نام رازس شهرت دارد و بر میسود رازی ماسد
همه پزشکانی که نام عرب خوانده شده اند ایرانی بوده اس حلکان میسود
رازی در علم و فن موسیقی هم مهارت کافی داشته و در خوانی علاقه مخصوص
باین هنر داشت

اهواری نام نامش علی بن عباس از پزشکان عالیقدر و در زمره بواع
ایران بوده که شهرت جهانی دارد پزشک مخصوص عبدالدوله و وجر الدوله

۱- Castiglioni نقل از کتاب گنجینه دارو و درمان دکتر علی

بر تواعظم صفحه ۴۹

دیلمی در شهر ارجان که در شش کیلومتری شهر بهمن کوی است متولد گردید که آثار حرابهائی از آن شهر دیده میشود و از توابع خورستان و احوار است این پرشک عالیقدر تحقیقات علمی پرشکان پیشین را کافی ندانسته کتابی نام کامل الصاعه در طب نوشته والمملکی نام عبدالدوله دیلمی نامیده که خیلی مفصل است و قسمت مهمی از آن در عمل جراحی است که خود در آن مهارت کافی داشته است کامل الصاعه بچند زبان ترجمه شده در سال ۱۴۹۲ در شهر ویرنطس رسیده و در سال ۱۶۰۳ در لیدن وایسلند بر زبان فرانسه ترجمه شده و آنرا چاپ کرده اند

مورحین مشهور مانند شهر روزی و نظامی و عروسی سمرقندی در چهارمقاله خود سوع علمی او را بسیار ستوده اند و احواری را از توابع رمان دانسته اند

فصل هفتم

انتکارات علمی ابن سینا در تشخیص امراض و فن شیمی

ابن سینا - شرف المملک حسین بن عبدالله بن علی بن سینا از توابع ایران در فلسفه و طب یگانه عصر بود ابن حلیکان تولد او را در سال ۳۷۰ نوشته و میویسد این فیلسوف بزرگ در سن هجده سالگی علم و فن پزشکی را فراگرفت در فلسفه و حکمت پیشرفت کرد کتاب فلسفه ارسطو را حفظ و از بر نمود لیکن چون خیلی پیچیده بود به کتاب فیلسوف بزرگ ایران و معلم ثانی ابونصر محمد فارابی رجوع کرد و بحل معصلات آن موقوف

گردید این سیما در بلوک حرمشین از توابع بخارا تولد یافت چون پدرش
 بهداله از عمال مقرب دربار پادشاهان سامانی بود و خود او هم بر بور و
 ریست علم و حکمت آراسته گردید در بخارا شهرت بسزایی یافت در زمانی
 که دولت سامانی رو به ضعف و انقراض نهاد و سلطان محمود عربوی بر سر کار
 آمد بر این شد که دانشمندان بر رگ در در عربین و دربار خود گرد آورد چون
 این سیما در آن زمان مشهور بود در صد دخل او بر آمد این سیما اطلاع یافت
 بعلت اینکه سلطان محمود را متعصب سحت در مذهب تسن میداد است و
 احتمال میرفت بخارا را تصرف نماید از بخارا بطرف کرکایج و مرو فرار
 کرد سلطان محمود حسن بن میکال را با عده ای برد امیر حو از مردم متاد این
 سیما نیز حریافت و قتل از ورود حسن با وسهل طیب مسیحی با لباس مدلل و
 پیاده فرار کردند از وسهل در راه از تشنگی مردان سیما به گرگان پاشحت
 قابوس و شمشگیر رسید و از آنجا شهر ری آمد و در دربار محمدالدوله دیلمی
 در آمد چون محمدالدوله با احتلال حواس دچار گردیده بود او را معالجه
 کرد و بمقام وزارت رسید بعد از چندی بهمدان برد شمسالدوله دیلمی
 برادر محمدالدوله فوت و در صحنه سیاست وارد گردید تقریب حکیم در
 دستگاه شمسالدوله مورد بعض و حسادت افراد مؤثر درباری از جمله
 سماءالدوله قرار گرفت ناتهام اینکه باعلاءالدوله کاکویه حاکم اصفهان
 مهرانه مکاتبه میکند و با اوس و سری دارد او را برندان او کند بد چهار
 ماه در زندان بود لیکن تاریکی زندان هم نتوانست شعله عشق و اشتیاق
 او را در توسعه علوم و فلسفه خاموش نماید در زندان بقیه کتاب شمارا در
 فلسفه و حکمت نوشت که بهترین کتاب درسی و سرمشق و لاسعه حبهان
 قرار گرفت رساله ۲ حی بن یقطان را بر در آن زندان نگاشت شماره

اثر گراهای این فیلسوف بزرگ را از کتاب و رساله تا دوست مجلد
نوشته اند کتاب قانون این سبب در علم پزشکی تا قرن هجدهم در دانشگاه
پاپل ایتالیا تدریس می شد، در موقع اختراع فن چاپ قانون این سبب
سی بونت تجدید چاپ شد این سبب حدام را بحوبی شاحت، عرق مدنی
(پیوک) را از کشف کرد

ویکتور لکلرک (۱) دانشمند فرانسوی ۱۸۶۵ میو بسد این سبب اعجوبه
جهان آفریش بود که هیچگاه هماسد او دیده نشده، نوعی باس عظمت
که ارس کودکی شروع به تحقیقات علمی کرده باشد

این سبب در بسیاری از موارد تحقیقات پزشکان یونان را کافی و
صحيح ندانسته قواعد و اصولی را که تاریکی داشته درباره بیماریها قائل
گردیده که بایه تحقیقات کموبی قرار گرفته، زیرا پزشکان یونان بیماریها
رایک نوع عناصر خارجی دانسته که بیروی حیاتی با آن بیماریها مبارزه
میکند این سبب این نظریه را ناقص دانسته و در دو قسمت بیماریها را
مورد تحقیق قرار داده اول علت های خارجی و دوم علت های داخلی
علت های خارجی عبارت است از اثرات خارجی فعل و افعالانی است در
بدن که ایجاد بیماریها میکند و علت های داخلی تراکم اجلاط و مواد
دروبی است که سبب بروز امراض میگردد

این سبب پایه گذار علم شیمی و پیشوای شیمی دانهای جهان
بوده و در این راه انتکادات علمی و فکری از خود ظاهر ساخته است
این سبب (۲) فلزات را بچهار قسمت تقسیم نمود و مورد بحث قرار

۱ - Lclerc V

۲ - نقل از کتاب گنجینه دارو و درمان دکتر علی پرتو اعظم صفحه ۵۶

داد اول حجری، دوم گوگردی، سوم نمکی - چهارم مایع سیمایی (حیوه)
و عملیاتی که خود در این فن نگار برده اول تصعید که عبارت است از تبدیل
حسمی نگار بدون اینکه آن حسم دوم شود دوم حل نمودن احسام
سوم پوسیده ساختن چهارم تعسیل، پنجم انعقاد - ششم تکلیس - هفتم
اکسیر سرخ و سفید

این مباحث و فیلسوف بزرگ که به ملت ایران بها او را معاصر
خود دانسته همان علم و دانش او را ستوده و بلاسعه کشور های مرقی
او را امیر در فلسفه و طب دانسته اند این دانشمند بعد از آن همه رحمت
که در راه علم و دانش بر خود هموار ساخت در اثر کینه و حسادت حسودان
در اواخر عمر انام حوشی نداشت درس شصت و سه سالگی در همدان
دنیای فانی را بدرود گفت

ابوسهل از حبابی از پزشکان نامی و طبیب مخصوص بهاء الدوله
پسر عضد الدوله دیلمی بوده وفات او را سال ۴۱۶ نوشته اند

حواحه رشید الدین فصل الله همدانی از اطمای معروف و هم وزیر
سلطان محمود غاراں پادشاه مغول بوده کمالات معموی او را شاه مغول
سیار پسندیده و اردر حه طبابت بمقام وزارت رسانیده در سیاست و امور
حیریه و زبیری بی نظیر و در توسعه علوم و فرهنگ و داد و دهش نگانه عصر
خود بوده و کتاب جامع التواریخ را نوشته

ادوار برورن (۱) مستشرق و دانشمند انگلیسی رشید را وزیر اناقاخان
نوشته و در طب اسلامی او را یکی از بواع دانسته و میگوید حواحه

۱- نقل از کتاب طب اسلامی ادوار در اوان صفحه ۱۲۵ ترجمه رحمتا

رشیدالدین در تریبیر هجده‌مجلسه‌ای بنام ربیع رشیدی ساخته که در آن محله ۲۴ کاروانسرا، ۱۵۰۰ کارگاه، ۳۰۰۰۰۰ احبانه‌ریسا، عمارات، باغها، گرمابه‌ها، دکابها، آسیاها، کارگاههای بافندگی و رنگرزی و کارخانه کاعد سازی و صراحنه در آنجا فراهم ساخته و بنا نموده دو بیست هزار قاری قرآن با حقوق کافی در آنجا گماشت که هر یک موطف بودند چهل هزار شاگرد تربیت کند و در یک کوحه آن چهارصد هزار عالم روحانی قرار داده و هزار هزار طالب علوم در آنجا گرد آورده بود که همه آنها حقوق و مستمری کافی داشتند، ۵۰ هزار پر شک حادق اراقصای چین و مصر و هندوستان بدانجا آورده و برای دستیاری هر یک ده هزار دسیار گماشته بود که شاگردی و تحصیل هم نمایند و همه را حقوق میداد و شعبه چشم پزشکی هم برای دردمندان فراهم بود

با اینکه نمی‌توان در سگارش یا نقل و اسمالات ادوارد برود داشتند شرق شناس انتقاد نمود لکن با توجه با رقام فوق نمی‌توان آنرا حالی از اعراق و ممالعه دانست البته بر او نقل کرده سخن در اینجا است که اظهار شك و تردیدی هم نکرده است

در تاریخ ایران سگارش عباس اقبال اگر مطالعه شود دروش میشود که وزیرای ابا قحان حواجه شمس الدین محمد صاحب دیوان حویسی و برادرش عظاملك حویسی بوده‌اند

حواجه رشیدالدین در زمان سلطنت سلطان محمود عازان وزیر دست حواجه صدرالدین احمد روحانی معروف بصدر جهان وزیر محمود عازان معاون بود و بعد از کشته شدن صدر جهان با وزیر دست حواجه سعد الدین محمد مستوفی وزیر عازان شاه سمت معاونت داشت، در زمان

سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) مستقلاً وزیر شد و چون اولجایتو در سلطانیه
سای شهری را در بطن داشت و ساختمانهایی هم کرد رشید هر از حانه در
آنجا سا نمود در تریر هم ربع رشیدی ساخت البته به ناس اعراق و تفصیل
در علو همت و بررگی مقام رشید تردیدی نیست

در مدت طولانی کشور ایران دارای پزشکان عالیقدر در هر دور
و زمان بوده که تعداد و احصاء آنان از دایره اطلاعات نگارنده خارج
است و چنانکه گفتیم تا دو قرن و نیم پیش در اغلب شئون و مراحل اجتماعی
از کشورهای و ملت‌های اروپائی حلوتر بودیم، برای اسات این مطلب عده‌ای
از پزشکان ایران را در قرن هفدهم و هجدهم نام می‌برم و از آثار گراسهای
آنها در علم و فن پزشکی یاد آور منسوم و سپس از طرق تداوی و عملیات
پزشکی در کشور فرانسه که مهد تمدن اروپا بشمار بود شرح میدهم تا
مورد مقایسه با پزشکان ایران در آن قرن قرار گیرد و وجه تمایز هر يك
از پزشکان شرق و غرب روشن شود در قرن هجدهم و هجدهم اطباء محرب
در ایران زیاد بوده اند که بطور قدیم تداوی بیماران می‌رداحتند در
ایجاد و تداوم شیراز را نام می‌برم که دارای تألیفات و آثار گراسهای
علمی بوده اند در سال ۱۱۸۳ هجری سید حسین شیرازی پزشک مخصوص
کریم‌خان زند پادشاه ایران دارای آثار گراسهای علمی بوده از آن جمله
آثار نفیس او کتاب مجمع الحوامع در شفا حسن سمانهای گوناگون
و کتاب ذخائر الرکیب نام قرانادین - کتاب خلاصه الحکمة، کتاب
مخزن الادویه که خیلی مفصل است پزشکان ایران اغلب خود گیاههای
دوائی را پیدا میکردند و علامات و خواص آنها را می‌نوشتند

از جمله پزشکان قرون اخیر که دارای آثار و تألیفات گراسها

در شیراز سکونت داشت میرزا محمد تقی نام ملقب بملك الاطبا بود که علاوه
 علم و فن طبابت در حکمت و ریاضیات مقامی از حمید داشت آثار
 گراسپهای او کتاب حفظ الصحه - کتاب تسهیل العلاج - رساله و نایبه کبیر -
 رساله و نایبه صغیر - کتاب مفرق الهیصه والونا - رساله بحرانیه - رساله
 کافوریه - رساله جوهریه التهان، آثار و معلومات طبق اصول طب قدیم
 و روش پیشینیان بوده است که معروف بطب یونانی گردیده در صورتیکه
 علم و فن طبابت قدیم از شرق و ایران سرچشمه گرفته، طبق مدارجات
 کتاب اوستا و مدرک قدیم ایران چنانکه بگازش یافت زردشت عناصر
 اولیه و ارکان بدن که آب و آتش باد و خاک است شایسته و اودستور
 داد خدایان را از مردم سالم دورسازید و پانیه طب یونانی بر این چهار
 اصل و امتزاج آنها مورد تحقیق و مساحت علمی قرار گرفته و کیفیت حاصله
 از تماس و فعل و انفعالات این عناصر و ارکان را مزاج گفته اند و باقسام مختلف
 شرح داده اند

تردید بیست که فلامنه بزرگ یونان دارای سوع علمی و فلسفی
 بوده اند و خدمات بزرگی بعالم بشریت انجام داده اند کسی نمی تواند در
 سوع علمی فیتاغورث - سقراط - قراط - افلاطون - ارسطو و حالیسوس
 تردید نماید با این قید که مردم یونان خود از برادر هند و آریس بوده از
 سواحل بحر حرر بساحل دریای سیاه و از آنجا بسواحل دریای اژه رفته اند
 و کشور یونان را تشکیل دادند بدین لحاظ باید منابع علمی مردم یونان
 را از شرق دانست، و بزرگ بعضی نوشته اند که فیتاغورث شاگرد زردشت
 بوده، از مطلب دور افتادیم سخن در همایسه پرشکان و مراتب علمی پرشکان

ایران و اروپا تا قرن هجدهم بود و طرز تداوی آنان چه صورتی داشته است
در فصل بعدی شمه‌ای از مراتب و آثار علمی پزشکان اروپا تا قرون هجدهم
می‌ویسم که چگونه عملیاتی داشتند و پزشکان کشور فرانسه بچه‌قسم
بیماران را معالجه می‌کردند

فصل هشتم

مقایسه پرشکان ایران و پرشکان اروپا

با توجه به سدرجات تاریخ روش میشود که ملت‌های اروپا از قرن پنجم تا قرن نهم میلادی که قرون وسطی گفته میشود در متنها درجه جهل و نادانی سر میزدند علم همان معلومات مذهبی و مدارس دینی (اسکولاستیک) و در احصار اساقمه و کشیشان بود از قرن نهم که آرا دوره تجدید علم و حکمت (ریسانس) گفته اند مردم اروپا وارد صحنه علوم گردیده از قرن هفدهم و هجدهم دانشمندی با اردایر احصار بیرون نهاده به تحقیقات علمی و واسعی پرداختند لیکن علوم عالیه و علم پزشکی در اروپا خیلی حوان و در مرحله ابتدائی بود در قسمت‌های پیش از سوع و دانش پرشکان ایران شمه‌ای یاد آور شدیم اکنون برای مقایسه آنها با پرشکان اروپا مختصری از بیانات دانشمند فرانسوی را می‌نویسیم

در ژانویه (۱) عصو آکادمی علمی فرانسه ۱۸۵۷ - ۱۹۳۵ در مرحله

ایستور با از محلات مهم کشور فرانسه می‌نویسد

اندکی چشم‌های خود را بر هم بگذارید و تصور کنید در قصر سن

در من با کاح و رسای معاصر لوی چهاردهم هستید، اشرف در این کاحها

بهدری گوشت شکار با شراب و کباب می‌خورید که منتلی نمرص نمرس

۱- G lenotre نقل از مجله ندرست مقاله بر حمه عسی لیقوایی شماره ۱۲ سال هشتم

میشود این بیماری در اشراف تشریفات خاصی داشت هنگام بروز این بیماری میبایستی گروهی از پزشکان احضار شوند زیرا دوشان و مقام اشراف بود که یکسر پزشک بر بالین خود بخواهد

مار کیراوا یکی از زبان اشراف پاریس مبتلی بمرص نقرس گردید ۳۱ مهر پزشک بالیادهای بلند بر بالین او حاضر شدند بدون هیچگونه امتحان بدنی فقط نامشورت یکدیگر واستعمال کلمات قلمبه و سامنه لاتینی اجتماعاً دستور خون گرفتن و مسهل‌های پی در پی میدادند

در باره لوی سیردهم که مبتلی بمرص نقرس بود در طرف یکسال ۴۹ مار از او خون گرفتند و در همان سال ۲۴۹ مسهل باور دادند، بیچاره لوی در مس جوانی مرد و از دستورهای ابتکاری پزشکان در ناری خلاص گردید

کوی ناتس از پزشکان معروف آن عصر با کمال تعجب میویسد با اینکه برای بهبودی روماتیسم مستر کوربیه ۶۴ نوبت خون گرفته‌ام هنوز بهبودی حاصل نشده، کار دیسال مارا دین (۱) ۱۷۰۸ که از کشیشی بمقام صدراعظمی کشور فرانسه رسید خون بمرص نقرس مبتلی گردید حکیم ناشیم‌های در ناری با دستور مکرر خون گرفتن و مسهل‌های پی در پی چون سیخه بگرفته دستور دادند پس است را بر موضوع درد صماد نمایند

ریشلیو (۲) صدراعظم معروف فرانسه خون بمرص نقرس مسلی گردید دسته دسته پزشکان بر بالین او حاضر شده طبق معمول دستور خون گرفتن مکرر و مسهل‌های پی در پی دادند چون سیخه حاصل شد مقداری

پس اسب را شیره کشیده در شراب ریخته بخورد صدراعظم دادند سپس
همگی تعطیلی کرده پس پسکی اطاق خارج شدند
برای روع یرقان فصله عازرا در شراب حل کرده به بیماران میدادند
امرو از پرشک مخصوص هابری دوم از دراز حیوانات و قارورات
حمهای مخصوص بحود میساحت و بخورد مردم میداد این حمها مدتی در
کشور فرانسه مورد استعمال بود ژرژ لوتر شرح مفصل در ابتکارات و
طرد تداوی پرشکان و اسه در آن عصر نوشته که در اینجا مختصری را
من باب نمونه و مقایسه با پرشکان ایران در قرن هیجدهم نوشته ام تا دانسته
شود که تا دو قرن پیش در عالم و فن پرشکی از مردم اروپا پیش بودیم و از
قرن نوزدهم مردم اروپا وارد صحنه ابتکارات علمی و صنعتی گردیدند که
ملت ایران طبق درجعات این اوراق و شواهد تاریخی دست بسته و محدود
مورد تجاوز و تجاوز سیامت استعماری دولتهای شمال و جنوب بود

فصل نهم

در بیان شعر و ادب ایران

شعرا و چکامه سرایان بزرگ و شیرین سخن که هر يك دارای افکار بلند و مشأ الهامات روحی بوده‌اند از حد تعداد و احصاء در این اوراق خارج است اغلب که دارای سوع فکری بوده‌اند کلمات حکمت آمیز و بیانیات فلسفی خود را بقالب اشعار رده و با طرزی شیرین و اسلوبی دلشس انتشار داده‌اند و در تمام شئون و مراحل زندگی اندررها و سر مشقها برای تهذیب اخلاق و تقویت روح تقوی مردم خاطر نشان کرده‌اند که در این اوراق میتوان عده‌ای را نام برد

در قدمت و سوع شعری باید نام رود کی (ابوعبدالله جعفر بن محمد را) نام برد با نداشته چشم در شعر و ادب استاد بود و دروس موسیقی یگانه عصر خود ششما میرفت که در قسمتهای پیش شمه‌ای از شرح حال او نگارش یافت تولد او را در بردیکی سمرقند و وفات او را در سال ۳۲۹ نوشته‌اند يك میلیون سیصد هزار شعر در فارسی سرود و زبان فارسی را رنده کرد دوم فردوسی حکیم ابوالقاسم طوسی از انواع و مباحث ایران در احیای زبان فارسی ورنده ساخت نام و تاریخ ایران می سال صرف عمر نمود، همگامیکه زبان عرب زبان علمی شده بود و از میان میرفت این باعه کاح بلندی از شعر ساخت که صرصر حوادث و طوفانهای مهیب آنرا

محو بخواهد کرد در هر مرحله‌ای از شئون ملی داد سخن داد و روح
 شجاعت و ساحشوری را در مردم ایران تقویت نمود. نمونه‌ای از اشعارش
 بر حشده آذر به اسب او ژند
 به روشید روشن بچرخ بلند
 که از روم و رومی همان نشان
 شوم بر سر هر دو آتش نشان
 به رومی بها ما هم و لشکرش
 بیک حمله بر هم زیم کشورش
 و باز میگویید

چو فردا شود بر لب هیرمند
 چکاچاک شمشیر گردد بلند
 کشم تیغ تیر و بگیرم و را
 در ترکان سرم فراوان سرا
 ویر در فدا کاری و میهن دوستی سروده است

همه سر سر تن بکشتن دهیم
 از آن به که کشور به دشمن دهیم
 تن مرده گریه دوستان
 به از رنده و طعمه دشمنان
 خو ایران باشد تن من مباد
 در این نوم و بر زنده بکس مباد
 مرا عار آید ازین زندگی
 که سالار باشم کم زندگی

کتاب شاهنامه را خوانان بوتره سران عشایر با نهایت و آواز مهیج
 قسمی میخواندند که رنگها بر افر و حته می شد و اگر میدان حسگی بود
 بی اختیار وارد میدان می شدند، در اغلب حسگها اشعار حماسی فردوسی
 خوانده می شد، شاه عباس کبیر در میدانهای حسگ شاهنامه خوان مخصوص
 داشت نام فتحی که در هنگام یورش لشکریان آنها را تحریک و تهییج
 می کرد

تهاجم لشکریان و استیلای عرب تاریخ و فرهنگ ایران را بطرف
 روال و انقراض سوق میداد فردوسی سه خدمت بزرگ و گرانها را با
 صرف عمر و عشق ایرانشواهی انجام داد، یکی تاریخ ایران را زنده کرد

دیگر زبان و ادبیات ایران که در شرف نابودی بود و مردم سعی میکردند زبان عربی آشناسوید و کتابهای علمی علماء و فلاسفه حتی کتب پزشکی همه زبان عربی بود چنانکه کتب مدهسی تاقیر احمر زبان عربی چاپ می شد این نامه بزرگ بر خلاف دیگران کتاب خود را به فارسی شیوا سرود که لغات عربی در آن هر عدد معدودی دیده میشود و در موقعی که برای بیان از شکست و استیلا ی تازیان افسرده بودند روح شجاعت و مردانگی را در نهاد مردم تقویت کرد و در دوسوی در عین حال که یک شاعر حماسه سرا بود و میدانهای جنگ را طرح ریزی میکرد در عواطف انسانی و شیوه بیکو کاری اشعار بسیاری دارد از جمله

میارار موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است
سیاه اندرون باشد و سگد دل که خواهد که موری شود تنگدل

از دست زبان نویسنده معروف فرانسوی ۱۸۲۳-۱۸۹۲ در باره کتاب فردوسی می نویسد با خواندن این کتاب خوب می فهمیم که چرا سوع حلاقه بزاد آریائی توانسته است حوادث خرد کسده و ماحراهای تلخ عم انگیز را پشت سر نگذارد و همچنان زنده و بیرومند بماند شجاع الدین شفا در کتاب ادبیات ایران و جهان می نویسد هو گو قطعه ادبی فردوسی را نگاشته و آنرا گل ادبیات خود دانسته است

مولانا حلال الدین محمد بلخی معروف بمولوی تولد او را در سال ۶۰۴ نوشته اند ، این فیلسوف بزرگ و شاعر ملکوتی اردوابع و متفکرین بلند مقام ایران بوده که با اشعار شیوای خود و الهامات عیسی کتاب مشوی را نوشته که بقول بعضی بعد از قرآن کتاب مقدسی است در احلاق و فضائل انسانی و الیهات مولوی در آن کتاب داد سخن داده

مورس ناریس نویسنده نامی فرانسوی ۱۸۶۲ در باره مولوی و

کتاب او که شعاع الدین شعاعتر حمه نموده میویسد مولوی شاعر بیست روح
است بود است موسیقی است عشق است عطر است کتاب او یک کتاب
ساده بیست اصلا کتاب بیست سحر و جادوی محسوم است درس عشق شادی
روشائی است که بصورت اوراق مدون در آمده است برای من که شاعران
را پیامبران دیبای فروع و اشتیاق میدانم شرح حال هیچیک از این پیامبران
آسمانی با شرح حال مولوی برابری نمیکند از وقتی که من سرنگی
مولوی آشنا شده‌ام بر گرین پایه‌های ادبی دیبای عرب تا دانه تاشکسپیر
گفته - هوگو سطر م طه‌لان مکتبی می‌آید

شیخ فریدالدین عطار اراقطاب و شعرای متفکر ایران بوده کتاب
الهی نامه منطلق الطیر او بر باه‌های حار حه مخصوصاً در کشور فرانسه ترجمه
شده و اشعار شیوا و آثار گرا بهای ادبی و فلسفی دارد از برگان فرقه
تصوف و اهل سیر و سلوک بوده است مولوی این شعر را در وصف شیخ
عطار سروده است

من آن ملای رومی‌ام که از بطقم شکر ریزد

ولی وقت سخن گفتن علام شیخ عطارم

مردم عرب از ادب و ادبیات ایران استفاده‌ها کرده‌اند از دو قرن و نیم
پیش کتابهای فردوسی، بهارستان حامی، ابوری، موج‌چهری سمرنامه
ناصر خسرو، سنائی و عنصری را مردم اروپا ترجمه کرده همه از شعرای
عالی‌قدر بوده‌اند

شیخ نرگوار سعدی شیرازی ۶۰۶-۶۹۷ هجری استاد سخن و حلاق
معانی بوده بوستانش همیشه دلربا و سرسرو گلستانش همیشه مشام جان را معطر
میسازد و لیاقتش روح عشاق و دلدادگان را وارث می‌دهد سعدی در تمام شئون

و مراحل زندگی از حسنگ، صلح، شجاعت و ترس و آداب سخن گفتن و غیره مردم جهان درس زندگی میدهد در سال ۱۶۳۴ میلادی بوستان و گلستان سعدی را مردم فرانسه ترجمه کردند و مورد استعاده قرار دادند چنانکه گفتیم اشعار دلپذیرش بحوسی روان عشاق و دلپسای افسرده را بوازش میدهد و شادی فراوان می بخشد و میتوان گفت عرلسرائی بوحود او حتم گردیده و بطبری برای او مصور خواهد بود مطالب علمی و فلسفی در آثار او مشهود و هویداست

وقتی مصاحبه‌ای با یک ادیب اروپائی برآیم دست داد و سخن از ادبیات ایران بمیان آمد گفت ما اروپائی‌ها از ادبا و ادبیات ایران بیشتر استعاده کرده و نتیجه گرفته‌ایم و دو شعر از اشعار سعدی را مطرح نمود مرد خردمند هر پیتشه را عمر دو بایست در این روزگار تاریکی تجربه آموختن و ردگری تجربه بردن بکار و گفت شما این دو شعر را تفسیر کنید در پاسخ معنای ظاهر آنرا بیان کردم که میگوید شخص را دو عمر باید تا از یکی تجربه‌ها حاصل نماید و در عمر دیگر بکار بندد گفت مطلب همین‌جاست این توحیه و تفسیر تو همین بمقام علمی سعدی است برافرد داسمند و حکیم آرزوی محال نمی‌کند و بحوسی میداند که کسی دو عمر داده بشده فاعلی را که مرد خردمند هر پیتشه باشد معین میکند و فعل را که تجربه دانسته بیان می‌نماید و کلمه بایست دستور میدهد آرزو وای کاش معنی نمیدهد و ما مردم اروپا از این بیان نتیجه عملی گرفته‌ایم، سعدی میگوید آدم عاقل و هر مند باید عمر را دو قسمت نماید بیمی از آن را صرف بحصیل علم و تجارت گذشته نماید و بیم بعدی آن تجارت را بکاربرد و ما بیمه عمر اول را عمر رحمت و بیمه دوم را عمر راحت میگوئیم و این تعبیر و تفسیر با عقل و

مطلق بیشتر سازگار است

مردم اروپا و مذاق ادبی هر يك از آن ملتها متوجه فردی از ادبا
و محوران ایران است حیا در امریکا و انگلیس محبوبیت دارد، حافظ
بر ادبای آلمان محبوب است سعدی مورد عشق و علاقه ادبای کشور فرانسه
است و قوم کلنگستان، سعدی متمایل است، حافظ شیرین سخن شیراز
که زبانی معجز و طبع بلندش از مسع الهامات عیبی و مسرق اشراقات
ملکوتی سرچشمه و در حشیدن گرفته نعمات روان بحش او بسيله اشعار
دلپذیرش شوری در دل اهل معنی افکنده دیوان او مجموعه لدائد روحی
و معنویات است گوته فیلسوف آلمانی شیدا و محدود بسی اختیار حافظ
شیرازی میگوید ای حافظ هجرت شرق و غرب، شمال و جنوب را
پریشان ساخته تاحها را درهم می شکند امپراطورها را بحود میبرداند
بحود میگویم بیا آهك دلپذیر شرق کن و از این دورح عرب بگیر تا در
شرق بسیم روحانیت بر تو ورد ای حافظ مقدس سخن تو همچون
ابدیت بر دگ است در آرا آعار و احام بیست کلام تو حون گسند آسمان
تسها بحود بسته است حافظ حود را در برابر تو قرار دادن حر نشان
دیوانگی بیست تو آن کشتی هستی که معرودانه باد در بادبان انداخته
سینه دریا را می شکافد و پا بر سر امواج می بید و من آن تخته پاره ام که
ببحودانه سیلی حور اقیانوسم در دل سخن شورا بگیر تو گاه موحی از پس
دیگر میراید و گاه ماسد دریائی متلاطم میشود، اما مرا موح آتش در کام
می کشد

اس بیانات و شمه ای از عشق، علاقه فیلسوف آلمانی درباره حافظ
بود، در این تردیدی بیست که روشن فکران و ادبای کشورهای اروپا بیست

نادنا و شعرای ایران کمال حس بطور را دارند اردیوان شرقی گوته ترجمه
شعاع الدین شما

از جمله شعرا و معاصران ایران حکیم نظامی الیاس بن محمد متولد
در قهستان قم سال ۶۴۱ و ۱۲۱۶ که از قم بگنجه رفته و در آنجا
اقامت گرفته و بگنجوی معروف شده ارداشمندان و شعرای عالیقدر ایران
بوده است رومان های شیرین و تاریخی حسرو و شیرین لیلی و محبوس بهرام
و گلندام را نوشته که میتوان او را سرآمد رومان نویسندگان جهان دانست
در حکمت و مطالب سودمند اجتماعی خدمات مهمی بایران و مردم
جهان نموده

بعلاوه کشور ایران هر از آن شاعر و ادیب دانشمند داشته که آثار
گراسپهای ایشان ریست افرای فرهنگ و رسائی های کشور باستانی
گردیده

فصل دهم

روحیه علمی و موارث اجدادی

روحیه علمی و موارث اجدادی موضوع مرهون و بسیار روشنی است که با دقت و توجه مختصری میتوان باین حقیقت پی برد و برای روشن شدن مطلب بطور اجمال شمه‌ای از قواعد و طایف الاعصاب (فیزیولوژی) می‌ویسیم، معلمین علم و طایف الاعصاب و روانشناسان خلقت انسانی را در دو قسمت مورد بحث قرار داده‌اند

اول- بدنیات و آن عبارت از حملگی اعصاب بدن است که محتاج توضیح بیست دوم روحیات و کیفیات حیاتی که عبارت است از احساسات شعور باطن قوه تفکر و تحیل، هوش و دکاوت در بدنیات سلولهای حیاتی و کر مچ‌های ساسلی (اسرمانوروئید) از پدر در رحم مادر و در حماکترون وارد میشوند و همین تولید میشود، در بدنیات فرزند و اثر پدر و در تصویر و تشکیل ظاهری پیر با پدر با مادر مساده میشوند و اگر در بعضی پدرها حال یا علامتی باشد در فرزند با پیرمانان میگردد طبق اصول و قواعد روانشناسی و توحیه عرائر که در قسمتهای اس اوراق سگارش خواهد یافت روحیات و کیفیات حیاتی همه مانند بدنیات طبق قانون تواریت از پدران بهر زندان منهل میشود و اس سنت طبیعی در سسل‌های بعدی بطور مستمر جاری و مصداق خواهد داشت، علاوه بر حسب ناموس تکامل و نه‌ای

است آنچه را که پدران در سایه سعی و کوشش فرا گرفته‌اند طلق تحقیق
علماء روانشناس که عرائر محیط را شرح داده‌اند و در این اوراق متذکر
میشوم اکتسابات اخلاقی و معاهیم ضروری از اسلاف باعصاب انحطاط
مییابند و در اینجا عریضه نام میگیرد و طبیعت نابوی فرزندان میشود

در اینجا نتیجه میگیریم که فرزندان این آب و خاک یعنی ملت
ماستانی ایران در تمام مرایای طبیعی و کیفیات روحی و اخلاقی با ماندگان
همان پدرانی هستند که جهان مدیته را قربانها برحم دار بوده‌اند و
هیچگونه تغییر و تبدیلی در عوامل طبیعی و اوضاع حوی ایران بوقوع
پسوسته که مادر ایران از رادن حسان فرزندان عقیم مانده‌باشد، باید علل
را در حلال حوادث حسسحو کرد

در خصوص روحیه علمی و سوانق با روحی زوری ما علامه فقید
علی‌اکبر دهخدا توفیق مصاحبت یافتیم و این فصل را با او در میان نهادیم
از آنکه مطالب این اوراق را مورد تصدیق و تحسین قرار داد مشهودات
خود را چنین بیان نمود

در سویس بودم یکی از شاگردان ایرانی در تمام کلاسهای درس
شاگرد اول شده بود شاگردان حسد برده نسبت تبعیض نه بر فسور و
ممتحصین دادند، این مطلب را بر و فسور شنید هنگامیکه شاگردان جمع
بودند بر و فسوری که جزء اعضاء مجمع و بطر اوصائب بود از این اتهام دفاع
کرد و گفت هیچگونه تبعیضی نبوده مردم ایران روحیه علمی چند هزار
ساله دارند و ما اروپائیان مدت زیادی نیست که وارد صحنه علوم شده‌ایم
شما میخواهید در هوش و دکاوت مانده فرزندان ایران باشید و بیراطهار
داشت ایامی که در کشور آلمان بودم زوری در حیابانی از شهر برلین عبور

می‌کردم، چون زبان آلمانی نمی‌دانستم برای طفره و فهم‌نابینان مردم از
 ندانستن زبان این جمله آلمانی را فرا گرفتم (من زبان آلمانی نمی‌دانم)
 در موقع عبورم یک‌کسر آلمانی که سر و لباس آراسته‌ای داشت من بر خورد
 نمود و سؤالی کرد آن جمله را که از زبان آلمانی فرا گرفته بودم بکار برده
 و گفتم من زبان آلمانی نمی‌دانم، بدون اینکه حسه مزاح و شوخی بحود
 بگیرد سرش را بردید من آورد و بلندتر آن سؤال را تکرار و تکرار
 کرد و تصور نمود که اگر بلندتر بگوید حواهم فهمید حس کردم که مرد
 کودن و بی‌شعوری است و گفتم نمی‌توان همه افراد مردم آلمان و اروپا
 را دارای فهم و شعور کافی دانست چیزی که هست حس تعاون و تشویق مردم
 روشن فکر و صنعت‌گردان تقویت می‌کند و افکار و نظریات آنان حد
 اکثر استفاده را می‌نماید و آنها در عمل آردی دارند و هر گونه لوازم
 و وسایل در دست‌رسان می‌گذارند بحال کشورهای شرق که هیچ‌گونه
 تشویق از متهم‌کنین نمی‌شود و وسایل مادی در دسترس آنان گذارده نمی‌شود
 و آردی عمل هم ندارند

در این اوراق شمه‌ای از محدودیت‌ها و محرومیت‌ها بگارش خواهد
 یافت که بچه قسم و چگونگی با دست تحریر و سیاست‌های طالبانه ارتقوی
 افکار و توسعه فرهنگ کشور حل و گری کردند هر فرد باهوش و استعداد که
 می‌توانست متکسر صنعتی شود چنان او را بیچاره می‌کردند و در فشار قرار
 میدادند که مایوس و مری می‌شد یا از میان میرفت، مدارس و دانشگاه‌هایی
 هم بود که افراد عرازم و افکار خود را بکار برند این ملت باستانی را حیان
 در فقر و بیچارگی کشایدند که برای سر و حیات خود اغلب عدای کافی
 نداشته‌اند با این حال هر قدر دارای سوانق علمی و روحی با استعداد طبیعی